

نامه سبید و پنجاه شخصیت سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی ایران به مقام رهبری

به نام خداوند بخشنده مهربان

حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مقام محترم رهبری

با سلام و احترام

قرآن کریم «امر به معروف و نهی از منکر» را وظیفه یکایک زنان و مردان مؤمن دانسته و پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده است: «کلکم راع کلکم مسئول عین رعیت». مهمترین کاربرد این فریضه مترقی در مورد صاحبان قدرت و حکومت است. یعنی ارزیابی و نقد عملکرد دولتمردان و نهادهای حکومتی از مصادیق آشکار این وظیفه دینی است. به علاوه، یکی از پرافتخارترین اسناد اسلامی در باره آزادی‌های سیاسی، خطبه دویست و شانزده نهج‌البلاغه است که در آن پیشوای عدالت‌طلبان و آزادخواهان، از همه مردم می‌خواهد که وی را از «بیان حق و مشورت عادلانه» محروم نکنند. سلوک کریمانه علی (ع) با منتقدان و مخالفان - تا زمانی که به خشونت فیزیکی و سلاح دست نیازیده بودند - الگوی جاودانه مدارای دینی و کشورداری اسلامی است.

بر این اساس، با اتکا به اصل هشتم قانون اساسی - که امر به معروف و نهی از منکر را حق و وظیفه قانونی همگانی مردم شناخته است - جمعی از شهروندان ایرانی، استادان دانشگاه، حقوق‌دانان، مدرسان و محققان حوزه‌های علمی، نویسندگان، فرهنگیان، فعالان سیاسی و مطبوعاتی و... دغدغه‌ها و توصیه‌های خود را آشکارا در باره برخی از مهمترین مسائل جاری ایران با جناب‌عالی، به عنوان رهبر جمهوری اسلامی، در میان می‌گذارند و بذل توجه به آنها را در شرایط حساس کنونی کشور انتظار دارند.

استحضار دارید که در هر جامعه‌ای، کاهش مقبولیت عمومی مقامات بلندپایه سیاسی و سست شدن اعتبار ادعاها و دیدگاه‌های آنان نزد مردم باعث «بحران مشروعیت» می‌شود که یکی از نشانه‌های آن تعارض افکار عمومی با سیاست‌ها و عملکردهای رهبران و مدیران جامعه در مهمترین مباحث حیاتی کشور است. بحران مشروعیت با شکست روش‌های قانونی و مسالمت‌آمیز برای اصلاح امور جامعه به «بحران مشارکت» می‌انجامد و دوگانگی در ساختار حاکمیت، سیاست‌های متضاد و خشی شدن اقدام‌ها و تصمیم‌های نهادهای منتخب مردم از سوی مقام‌ها یا نهادهای انتصابی به «بحران کارآمدی» دامن می‌زند. باید توجه داشت که قانون اساسی یک مجموعه یکپارچه است که در آن بر حقوق ملت هم عرض با حقوق زمامداران تصریح و تأکید شده است.

بر پایه تجربه‌های تاریخی در ایران و جهان، در وضعیتی که سه بحران پیش‌گفته همزمان رخ دهد، توسل به خشونت، سرکوب و روش‌های آمرانه، همانند آنچه این روزها در برخورد با دانشجویان شاهدان هستیم، جز تشدید بحران‌ها هیچ نتیجه و چشم‌اندازی ندارد و بهره‌گیری از چنین شیوه‌هایی برای ادامه حکومت، علاوه بر اینکه قانونی نیست و مشروعیت مردمی، اخلاقی و دینی ندارد، کارآمد و ثمربخش نیز نیست.

همچنین مستحضرید که تحولات و پیشرفت‌های فنی، اقتصادی و سیاسی و پیچیدگی‌های جامعه کنونی موجب آن شده است که مدیریت کلان بر پایه تصمیم‌گیری‌های فردی و فارغ از کارشناسی‌های دقیق و نیز بی‌اعتنایی به اراده و خواست مردم یا رودررویی با آن، ناکارآمد و به زیان منافع ملی باشد.

امروزه پرچمداران همه ادیان، مکاتب و ایدئولوژی‌ها می‌کوشند حضور و حاکمیت سیاسی خود را با روش‌های مردم‌سالارانه و مشارکت جمعی همراه کنند. به همین دلیل، اینک گذار از حاکمیت‌های فردی یا گروهی به مردم‌سالاری، دیگر گزینشی از سر آرمان‌خواهی صرف نیست، بلکه ضرورتی گریزناپذیر برای تداوم حیات کشور و ملت به صورت یکپارچه، مستقل و برخوردار از نظم و آرامش و ثبات است.

به نظر امضاکنندگان این نامه، حساسیت وضع کنونی کشور و جامعه بدان درجه است که کمترین خطای مدیران و تصمیم‌گیرندگان کلان کشور و نیز نیروها و جریان‌های مؤثر سیاسی می‌تواند به فاجعه ملی بینجامد. از این رو تلاش برای گذار از چارچوب‌های محدود دلبستگی‌ها و باورهای شخصی، به سوی دلبستگی‌های جمعی و بلندمدت به یک ضرورت و تکلیف سیاسی و انسانی مبدل شده است.

اکنون، در بیست و پنجمین سال استقرار جمهوری اسلامی، به گونه‌ای که شاهدیم، بیشتر مردم ایران از روند امور کشور ناراضی‌اند. حضور مردم در صحنه‌های تعیین سرنوشت در روزهای دوم خرداد هفتاد و شش، بیست و نه بهمن هفتاد و هشت و هجده خرداد هشتاد جلوه آشکار ابراز نظر و اراده مردم برای تغییر سیاست‌های کلان کشور و تعیین سمت و سوی جدید در این تغییر بوده است. جنابعالی همواره گستره این ناراضی‌های عمومی و میل به اصلاح را منحصر به حوزه اقتصادی و فقر، فساد، تبعیض و گرانی کرده‌اید، حال آنکه برای ریشه‌یابی علل و عوامل رویگردانی و اعتراض مردم باید به مطالعه علمی فزاینده میان دولت - ملت پرداخت، چرا که مردم، علاوه بر مشکلات اقتصادی و معیشتی - که علل آن بیش و کم برای آنان روشن است - دغدغه‌های دیگری نیز دارند که مهمترین آنها تحمیل سیاست‌ها و روش‌هایی برخلاف خواست عمومی و نیز نقض حقوق و آزادی‌های اساسی ملت و تحقیر بسیاری از نخبگان و شهروندان از سوی نهادهای مسئول یا غیرمسئول است. البته باید توجه داشت که بخش قابل ملاحظه‌ای از فساد، فقر و بیماری در حوزه اقتصاد ریشه در انسداد سیاسی و وجود باندهای مافیای اقتصادی و مالی دارد و به هر حال، از فساد سیاسی جدایی‌ناپذیر است. به بیان دیگر، انسداد سیاسی خود را در فساد اقتصادی بازنمایی می‌کند.

ما امضاءکنندگان زیر، تلاش برای اصلاح مرحله‌ای و مدبرانه امور کشور و حرکت به سوی مردم‌سالاری را وظیفه همه کسانی می‌دانیم که به استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، بهبود زندگی مردم و سربلندی ایران علاقه‌مندند. ما همچنین، کوشش برای ارایه قرائتی واقعی یعنی مردم‌سالارانه از اسلام را تنها راه بقای اسلام در حوزه عمومی می‌دانیم و اطمینان داریم که بنیادگرایی تعصب‌آلود و استبداد دینی هرگز جایگاهی در میان مسلمانان ایران نخواهد داشت.

نگرانی عمیق نسبت به اوضاع خطیر کنونی و وقوف به نقش مهمی که جنابعالی می‌توانید در تسهیل و تسریع گذار به مردم‌سالاری ایفا کنید، ما را بر آن داشت که بر نامه‌های مهم و در عین حال حداقلی لازم برای استقرار مردم‌سالاری را با جنابعالی در میان گذاریم. واضح است که مطالبات ملی، به ویژه تقاضای جمعیت جوان کشور، بسیار فراتر از این موارد است، اما تحقق این پیشنهادهای حداقلی می‌تواند مردم را تا حدودی نسبت به بهبود وضعیت امیدوار و دلگرم کند.

به نظر ما، جمهوری اسلامی ایران اکنون بر سر دوراهی سرنوشت‌سازی قرار گرفته است. یک راه آن است که با قرائتی استبدادی از اسلام و قانون اساسی، با انتصاب افرادی که جایگاهی در افکار عمومی ندارند و مخالف مردم‌سالاری‌اند و با اتخاذ سیاست‌هایی مخالف افکار عمومی و بعضاً برخلاف مصالح ملی، جمهوریت نظام را نقض کرده و با اصلی کردن عامل خارجی و دشمن در بروز مشکلات و نادیده گرفتن نقش عوامل درونی، طوفان ناامیدی و اعتراض ملت را گستراند و راه دوم آن است که به قرائت مردم‌سالارانه از قانون اساسی، یعنی همان قرائتی که هنگام برگزاری همه‌پرسی تاریخی فروردین یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت اعلام شد و در شرایط کنونی نیز می‌تواند مردم را امیدوار و تهدیدهای بیگانگان را دفع و کشور را نجات دهد، تن داد. ما بر این باوریم که حساس بودن موقعیت کنونی ایران و عمق مطالبات مردم راهی باقی نمی‌گذارد جز آنکه همگان در برابر اراده ملی سرفرواد آورند و با تقویت مردم‌سالاری امید، اعتماد و مشارکت هرچه بیشتر مردم را جلب کنند. شجاعت و صداقت در پذیرش و تحقق بخشیدن به چنین اصلاحاتی نشانه اقتدار، بصیرت و خدمتگزاری به ملت بزرگ ایران است.

با توجه به موارد بالا، امضاکنندگان این نامه خواسته‌های حداقلی زیر را اعلام می‌کنند، خواسته‌هایی که اگر پاسخ مثبت نیابند، موج فزاینده ناراضی‌های عمومی - که قدرت‌های بیگانه نیز به آن چشم طمع دوخته‌اند و برای سوار شدن بر این موج برنامه ریزی می‌کنند - حوادث و تحولات سیاسی و اجتماعی عمیقی را در آینده رقم خواهد زد.

1- دگرگونی اساسی در قوه قضاییه در جهت احیای حقوق اساسی مردم و اجرای عدالت. مهمترین شاخص یک نظام سالم، مردم‌سالار و اسلامی، عدالت در قضا و برابری همگان در برابر قانون است. حال آنکه متأسفانه اکنون یکی از

بزرگترین عوامل نارضایتی عمومی، رویه غیرعادلانه دستگاه قضایی، عدم رعایت آیین دادرسی کیفری در دستگیری‌ها، بازداشت‌ها، بازجویی‌ها و محاکمات و کمبود دانش حقوقی در این دستگاه است. با کمال تأسف، قضاوت در باره برخی از پرونده‌ها و افراد در خدمت سیاست است. بنابراین، برکناری مدیران جناحی و سیاسی - که به مخالفت با آزادی‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی و قانون‌گریزی اشتهار دارند - از مناصب کلیدی در قوه قضائیه و انتصاب شخصیت‌های بی‌طرف، حقوقدان، آشنا با فرهنگ اسلام و ایران و مورد تأیید جامعه حقوقی کشور ضروری است.

2- انتظار می‌رود که رهبری نظام به عنوان بالاترین مرجع عملی تصمیم‌گیری با تغییر ترکیب اعضای نهادهای انتصابی، آنها را در راستای اراده ملی جهت دهد و هماهنگ کند. از جمله ضرورت دارد که ترکیب اعضای شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام به نفع اراده عمومی و مصالح ملی تغییر یابند. ارزیابی عمومی نخبگان و شهروندان این است که ترکیب فعلی شورا و مجمع یاد شده فاقد پایگاه مردمی و تکرش متناسب با درد و رنج مردم است و به همین دلیل، این دو نهاد عملاً مانع قانونی شدن و اجرای مصوبات مجلس هستند که خانه ملت است و باید در رأس امور باشد. برای بازگرداندن مجلس به جایگاه حقیقی و قانونی آن لازم است تعدادی از فقها، حقوقدانان و شخصیت‌های دانشگاهی، سیاسی، فرهنگی و اجرایی همسو با گرایش اکثریت ملت و معتقد به اصل حاکمیت قانون در این نهادها عضویت یابند. به علاوه، لازم است که قانون‌گذاری به طور انحصاری به مجلس شورای اسلامی واگذار شود و نهادهایی مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی به کار قانونگذاری به موازات مجلس نپردازند. با تسریع در رفع موانع قانونی شدن مصوبات مجلس توسط شورای نگهبان یا مجمع تشخیص مصلحت، از جمله در مورد لوایح و طرح‌های مربوط به اصلاح قانون مطبوعات، تشکیل هیأت‌های منصفه، تعریف جرم سیاسی، چگونگی اجرای اصل پنجاه و نه قانون اساسی در مورد همه‌پرسی، اصلاح قانون تأسیس وزارت علوم و ... می‌توان امیدواری بیشتر مردم به نظام و آینده را جلب کرد.

3- تأیید دو لایحه تقدیمی رئیس جمهور به مجلس در شورای نگهبان، تا آنکه «آزادی انتخابات» تضمین شود و نیز، نهادهای حکومتی از نقض حقوق شهروندان، به ویژه منتقدان و مخالفان، بازداشته شوند.

4- سالم‌سازی فضای سیاسی کشور؛ به دلیل اعمال تنگ‌نظری‌ها، دخالت گروه‌های فشار و بهره‌گیری و تحریک‌های عوامل بیگانه، فضای عمومی کشور ملتهب و ناآرام است. برای سالم‌سازی فضا ضرورت دارد که متهمان و محکومان به جرایم سیاسی، مطبوعاتی و دانشجویی سر بیا آزاد شوند و از نشریاتی که بدون محاکمه علنی و بدون حضور هیأت منصفه توقیف شده‌اند، رفع توقیف شود. گروه‌های فشار، اقدام‌ها و خشونت‌های خود را مستنظر به عنایت و حمایت مقام رهبری می‌دانند. با تبری جستن صریح مقام رهبری از این گروه‌ها، لازم است نیروهای انتظامی و امنیتی با قاطعیت از اقدام‌های خودسرانه آنها جلوگیری کنند و قوه قضائیه ملزم شود که سریعاً به اتهام‌های آنها رسیدگی کند.

باور ما بر این است که اگر خواست‌های حداقلی بالا برآورده شود، حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی شهروندان تأمین و آزادی واقعی انتخابات تضمین شود، علاوه بر امضاکنندگان این نامه، دیگر نیروهای سیاسی نیز برای حفظ استقلال، تمامیت ارضی، منافع ملی و نظام سیاسی در چارچوب قانون اساسی کنونی مشارکت و تلاش خواهند کرد.

با آرزوی توفیق روزافزون در خدمت به مردم ایران

بیست و چهار تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو

امضاءکنندگان نامه:

محمد آزادی، مهناز آذرنیا، فریبا آقاباقری، زهره آقاجری، حسین آقامحمدی‌رنانی، مهندس مسعود آقایی، ناصر آملی مقدم، عباس ابوذری، دکتر طاهر احمدی، نعمت احمدی، روزبه ابراهیمی، مهندس حمید احراری، حسن اربابی، محمد کریم اسدیگی، وحید اسلامی، دکتر مرتضی اشرفی، مرتضی اشفاق، علی افصحی، محمد جواد اکبرین، سیدامیر اکرمی، علی اکرمی، حسین اعتمادی، اعظم اکبرزاده، عبدالمجید الهامی، مهندس مجتبی امانی‌مهر، اسدالله امین، اکبر ایزدپرست، مصطفی ایزدی، علی باخرد، مهندس ابوالفضل بازرگان، مهندس عبدالعلی بازرگان، دکتر محمد نوید بازرگان، دکتر کمال‌الدین بازرگانی، داود باقری، پروین بختیارنژاد، غلامحسین بخشی، سعید بداشتی، دکتر رحمت‌الله

برهانی، علی اکبر بدیع زادگان، مجتبی بدیعی، محمد بسته نگار، دکتر محمد حسین بنی اسدی، بوجاری نصیر آبادی، ناصر بهبهانی، مهندس محمد بهزادی، مهندس داود بهرامی، محمد بهفروزی، راضیه بیرونی کاشانی، صفا بیطرف، سید امیر پاکزاد مقدم، حسین پایا، دکتر علی پایا، دکتر مسعود پدرام، ناصر پروین، آرش پهلوان نصیر، جعفر پیش‌بین، دکتر محمود پیش‌بین، عباس پوراطهری، ناصر پوررضا، رضا پویا، مهندس رضا پویان، محمد حسین پیروزی، دکتر حبیب‌الله پیمان، مهندس مجید پیمان، فرج‌الله پیمان عباسی، دکتر علی تاجرنیا، سیدمصطفی تاج‌زاده، عزت‌الله تقواییان، دکتر غلامعباس توسلی، محمدرضا توسلی، مهندس محمد توسلی، محمد توکل، خالد توکلی، مهندس مصطفی تنها، دکتر محمود توکلی، مهندس مجید تولایی، رضا تهرانی، جلال جلالی‌زاده، دکتر حمیدرضا جلایی‌پور، مندنی جهانتاب، مهندس بهمن حافظی، دکتر سعید حجازیان، مهندس حسین حریری، فاطمه حسین زاده، دکتر سید حسن حسینی، سید محمد حسینی، سید مسعود حسینی، ابوالفضل حکیمی، سیف‌الله حقانی، مرتضی حقیری‌زاده، فاطمه حقیقت‌جو، بهزاد حق‌پناه، علی حکمت، مجید حکیمی، محمدرضا حمسی، ایرج جمشیدی، سید حسن جعفری، مهندس مجید جابری، محمد حیدری، علی محمد حیدری، تقی خادم، ابراهیم خانیکی، ابراهیم خدادادی، مهندس امیر خرم، علی خدابخش، دکتر حشمت‌الله خضوعی، محمد خلیل‌نیا، ابراهیم خوش سیرت سلامی، اسماعیل خوش‌محمدی، حاصل داسه، محمد دادفر، دکتر حبیب داوران، سعید دارابی، مصطفی درایتی، محمود دردکشان، سعید درودی، محمد حسین درودیان، پرویندخت دفتری، سعید دستگاه‌دار، مصیب دوانی، عباس دهقان‌نژاد، محسن دیانت، خشایار دیهیمی، مسعود ذهبیون، اسحاق راستی، فاطمه راکعی، محمد صادق ربانی، دکتر علیرضا رجایی، محمد جواد رجائیان، روح‌الله رجیبی، حسین رحمانیان، مهندس محسن رزم‌خواه، سعید رحیمی مقدم، محمد جواد رسایی، مهندس جمشید رسایی، محمد صادق رسولی، اصغر رضایی، بیوک رضایی، محمد رضایی، محمد جواد رضایی، عبدالعلی رضایی، احد رضایی، محمد رضایی‌زاد، بهمن رضاخانی، سعید رضوی فقیه، شهرام رفیع‌زاده، دکتر بهروز رفیعی، توفیق رفیعی، دکتر حسین رفیعی، غلامعلی رفیعی، دکتر رضا رئیس طوسی، مهندس مهدی رهنما، محمد علی ریگی، ایرج زارع، دکتر فیاض زاهد، مهندس حسین زمان، محمد ابراهیم زمانی، علی اکبر زنگنه، محمد رضا زهدی، مهدی زیرک‌ساز، علیرضا ساریخانی، دکتر احمد ساعی، مسعود سپهر، نسرین ستوده، داریوش سجادی، مهندس عزت‌الله سحایی، دکتر فریدون سحایی، عیسی سحرخیز، محمد سرچمی، مهدی سعیدپور، آیدین سعیدی، بیوک سعیدی، سعیده سعیدی، جعفر سعیدیان‌فر، عبدالله سلامی، مهندس علی سلطان‌زاده، ناصر سلطانی، مرتضی سورانه، دکتر سیدمحمد سیف‌زاده، محمود شاد دل بصیر، ابراهیم شاکرین، محمد شانه چی، حسین شاه‌حسینی، سعید شریعتی، صدیقه شکوری‌زاد، ماشاءالله شمس‌الواعظین، پروین شهرزادی، ابوطالب شهسواری، رضا شیروانی، دکتر امیر حسین شیروی، رضا صادقی، محمد صارمی، مهندس هاشم صباغیان، دکتر رضا صدر، دکتر احمد صدر حاج سیدجواد، مهدی صراف، مهندس کیوان صمیمی، عباس صفایی‌فر، دکتر مسعود صفایی‌مقدم، دکتر فضل‌الله صلواتی، علی اشرف ضرغامی، فریدون ضرغامی، حسین ضیغمی، اعظم طالقانی، دکتر حسام طالقانی، طاهره طالقانی، دکتر نرگس طالقانی، مهندس محمد طاهری، مهندس اکبر طاهری، احمد عابدینی، مهدی عاقل‌تر، ابراهیم عامری، علی عدالتی، مهندس حسن عرب‌زاده، حسین عزت‌زاده، علی علیزاده نائینی، محمود عزیززاده طباطبایی، محمد باقر علوی، شهین علوی، علی رضا علوی تبار، محمود عمرانی، دکتر علی اصغر غروی، علی اکبر غروی، مهندس علیرضا غروی، سعید غفارزاده، دکتر مسعود غفاری، علی غفرانی، غلامعلی غفوریان، دکتر محمد جواد غلامرضا کاشی، جعفر گلایی، علی علامی، مهدی غنی، کریم فتاح‌پور، حبیب‌الله فتوت، دکتر مرتضی فلاح، مهندس مجید فراهانی، دکتر غفار فرزندی، حسین فرزین، فاطمه فرهنگ‌خواه، دکتر حسن فرید اعلم، احمد قابل، هادی قابل، فرشته قاضی، برات قبادیان، مهندس رحمانقلی قلی‌زاده، مرتضی قلی‌زاده، مهندس خسرو قشقایی، ماهر و قشقایی، دکتر مهدی قمشی، مهندس عبدالمجید قندی‌زاده، قنواتی، حجت‌اله قیاسی، دکتر مصطفی قهرمانی، دکتر رحمان کارگشا، مرتضی کاظمیان، مهندس محسن کاکاوند، مهدی کاملان، رضا کاویانی، دکتر محسن کدیور، منوچهر کدیور، محمدرضا کرباسی، روزبه کردونی، جمیله کریمی، حمید کریم حدیثی، علی کریم حدیثی، فاطمه کمالی احمد سرایی، ناصر کمیلیان، محمد کیانوش راد، یعقوب کوثری، بیژن گل‌افرا، محمد حسین گل‌خیان، فاطمه گوارایی، مهندس علی اصغر گواهی، کامبیز گوهری، مسعود لدنی، مجتبی لطفی، حسین لقمانیان، زهرا مجردی، مهندس محمد محمدزاده، بهروز محمدی، علی حسین محمدی، نرگس محمدی، محمد محمدی ارده‌الی، مهندس محسن محقق، حسین مدنی، سعید مدنی، ماشاءالله مدیحی، دکتر احمد مرادی، قاسم مرادی، مازیار مرتب، علیرضا مسرور، حسین مسکین، مصطفی مسکین، مهندس رضا مسموعی، محمدرضا مسموعی‌فر، حبیب‌الله مشیری، لیلامصطفوی، مصطفی مصطفوی، محمدرضا مظفر، دکتر معاضدی، فهیمه ملتئی، اصغر مبینی، داریوش مبینی، خسرو منصوریان، دکتر نگار منصوریان، دکتر محمد مولوی، علی مؤمنی، محمود مؤمنی، ابوالفضل میرآخوری، مهندس امیر میرخانی، حجت‌الله میرزایی، حسین میرزایی، احمد منتظری، سعید منتظری، دکتر ضیاءالدین

میرحسینی، مهندس وحید میرزاده، سعید نادری، غلامحسین نادی، رحمان نامجو، عبدالحمید نظام‌اسلامی، کاوه نقوی،
مهندس محمود نعیم پور، محمود نکوروح، مهندس محمدتقی نکوفر، مهندس سیدحمید نوحی، دکتر سیدمجید نوحی،
عباس نوربخش، فخرالسادات نوربخش، مهندس منوچهر نوربخش، حسنعلی نوریها، مهدی واعظ عبایی، مهندس اکبر والی،
رسول وریایی، حمید وحید دستجردی، دکتر هادی هادی‌زاده، دکتر احمد هادوی، دکتر محمد هادوی، امین هادوی،
ناصر هاشمی، محمد هاشمی عهد، علی همتی، محمد احسان هوشمند، رحیم یاوری، علی فرید یحیایی، فرهاد یدالهی،
دکتر ابراهیم یزدی، دکتر رضا یوسفیان.